

پژوهشی در قتل و خشونت طبیعی و ذاتی در اسلام و قرآن

و با این همه انتخابات: شرکت یا تحریم!

معصومه اعظمی

مردم زجر دیده ی ایران، خواهران و برادران هم میهن، زنان مردان، فرزندان زرتشت و کوروش و داریوش و... درود بر شما. سرتان سلامت. من نه مرد سیاستم و نه سیاست باز. با این همه در این برهه از تاریخ خونین ایران که پر است از قتل و کشتار، شکنجه و سنگسار، ترور و وحشت، تجاوز و زندان، آزادی کشی و نامردی و نامردمی، چپاول داریایی های مادی و معنوی و حراج دختران و پسران ایرانی در بازارهای کشورهای اسلامی به عنوان دانشجویی از دانشگاه تهران به خود اجازه می دهم حاصل تحقیق کوچکی از خود را به حضور جوانان این مرز و بوم ارائه دهم. زیرا پیران را تصلب فکر و روح اجازه ی پریش در چونی و چرایی نمی دهد.

امروز که در بازار سرد انتخابات فرمایشی و اسلامی به سر می بریم لازم است به بنیاد فکری و شالوده ی روح این نظام که جدای از بنیاد روحی و فکری سیاست مداران ایران از هر قشر و هر قماش نیست، توجه کنیم. شما کافی ست به همه کسانی که شما را دعوت و یا حکم و یا ترغیب به شرکت در انتخابات و یا شما را دعوت و یا حکم و یا ترغیب به تحریم آن می کنند نگاه کنید. هیچکدام به روح مسموم و انحطاطی و ضد ایرانی و ضد انسانی اسلام نظری ندارند. هیچکدام، از ملی گراها؛ تا ملی مذهبی گراها گرفته، تا چپ و راست، توده ای و اصولگرا و جمهوریخواه و لایبیک و سکولار، پیر زن و پیرمرد و جوان؛ هیچ کدام نگاهی محققانه به این افیون مسموم که نامش اسلام است ندارند. از روزنامه های اصلاح طلب و اصولگرا که خب طبیعی ست که توقعی نداشته باشیم، ولی شما اگر به نوشته حضرات لایبیک و سکولار هم توجه کنید هیچ اشاره ای به این افیون به این سم خطرناک نمی بینید. از فیلسوف و عارف و شاعر و عامی گرفته تا عالم به علوم اجتماعی و یا علوم دقیقه هیچکدام قدرت آنرا ندارند که سرشان را از هوای مسموم گنداب اسلام بیرون برند. اگر شما به تمامی سایتهای درون مرز و برون مرز نگاه کنید و آنها را با دقت بخوانید هیچکدام مثلا به ضدیت مصطفی معین به ایران و ایرانیت، و ضدیت او با فردوسی به عنوان نماد ایرانیت که در همه جا نوشته و گفته شده و افراد مورد وثوق آنرا بارها و بارها گفته اند اشاره ای نشده. ضدیتی که حتا در سازمان ملل نیز با صراحت و در خودداری از امضایی برای بزرگداشت فردوسی که حتا خارجیان را نیز به تعجب و شگفتی آورده، نپرداخته است. تازه چنان که ادعا می شود معین یکی از بهترین کاندیداهاست!!! و شما حساب دیگران را با رسیدن به حساب معین دریابید. برای این که به اوج فاجعه پی برید خواهش می کنم برای نمونه نوشته بابک امیرخسروی را در سایت ها بخوانید تا به عمق در جازدن ملت ما پی ببرید که با شصت سال کار سیاسی در جناح چپ و ادعای اینکه سکولار و لایبیک است اما تا مغز استخوانش اسلام مثل سل رخنه کرده است. ما در کشور اسلام و زیر نعلین آخوند خون آشام زندگی می کنیم و نمی توانیم سایتها را باز کنیم و مطلب بابک امیرخسروی را دوستی با میل از خارج از کشور برابم فرستاده عنوان آن این است: آقای معین خوش آمدید!!!

همه تقصیر ها را نمی شود به گردن آدمکشانی انداخت که بر ما حکومت می کنند و ما را گردن می زنند؛ ما گردن نهاده گان به قوانین ضد بشری اسلام نیز به اندازه همان ها و حتا به مراتب بیشتر مقصریم، این نویسنده گان که تا کنون به بنیادهای خشونت اسلامی نپرداخته اند مقصرند، اینان که حتا جرأت نوشتن و یا تکلم واژه اسلام را مگر برای مدح ندارند مقصرند. بالاخره روزی باید این تولید کننده و این سرچشمه آدمکشی و این مولد ترور هزار و چهار صد و بیست و پنج ساله در جهان و به مراتب بد از آن در این بیست شش سال در ایران افشا و قضاوت شود. امروز با استفاده از این دستگاه عظیم اینترنت این افشاگری بسی آسان تر است. شما اگر این قوانین ضد بشری قرآن و اسلام را ترد کنید، دیگر کسی قدرت آنرا نخواهد داشت سر شما را و فرهنگتان را و غرور ملیتان را و نجابتتان را و شرافتتان را و دانشتان را لب گودال بگذارد و ذبح اسلامی کند و در کاسه سر شما خون بنوشد. هر کس با اسم الله رحمن رحیم شروع به سخن کند یعنی به قوانین ضد بشری و ارتجاعی قرآن و اسلام عقیده و باور دارد. تمامی کسانی که در انتخابات رییس جمهوری کاندید شده اند بدون استثنا با آیه قرآن و بسم الله الرحمن الرحیم وارد کارزار انتخاباتی شده اند. و بسم الله الرحمن الرحیم یعنی واجب دانستن قتل دیگر اندیشان و غیر مسلمانان! طبق دستور اکید دینی بر هر مسلمانی واجب عینی ست که نامسلمانی را یا به راه اسلام هدایت کند و یا او را از پا در آورد. کشتن به نوع اسلامی اغلب با سلاح سرد، کارد، خنجر، شمشیر، قمه، تناب و... بوده و هست و همیشه مسلمان قاتل با بسم الله الرحمن الرحیم این واجب را انجام داده است.

هر مسلمانی طبق دستور دین و آیه قرآن یک قاتل بالقوه است. شما خواهران برادران اغلب به چند آیه از آیات قتل در قرآن توجه کرده اید و از سر تکرار شاید آنها را حفظ هم باشید ولی حتما تا کنون به این فکر نیفتاده اید که بروید و ببینید این قتل و غارت و خشونت و آدمکشی و جنایت و وجوب آن در اسلام از کجا می آید و ریشه و ریشه های آن از چه وسعتی برخوردار است. حتما تا کنون به این فکر نیفتاده اید تا بروید ببینید برای چه مردم ایران که صد در صد غیر مسلمان بوده اند تا نود و نه در صد مسلمان می شوند! چه زوری در کار بوده، چه کشتاری در کار بوده، این دروغ محض از کجا می آید که ایرانیان خود بخود و فقط با دعوت اسلام آورده اند! اگر اینطور است پس چرا حالا کسانی که دیگر نمی خواهند مسلمان باشند را مرتد می خوانند و می کشند؟! طبق آیات و روایت قرآن نه تنها اسلام با زور و آدمکشی و قتل و غارت و تجاوز به زنان و دختران و حتا پسران ایرانی وارد ایران شده بلکه با زور و قتل و غارت و تهدید و آدمکشی و ترور در ایران این دین باقی مانده. و این را روشنفکر و فیلسوف و شاعر و هنرمند ایرانی تا کنون نتوانسته به صورت عمیق بفهمد و این فهمیدن را بکار برد و آن را به منصفه ظهور برساند و به آن تظاهر کند. شما خواننده محترم هرگز از خود نپرسیده اید که چرا در عرض این هزار و چهارصد و بیست پنج سال که از ظهور اسلام می گذرد این دین از خون سیراب نشده و همچنان قربانی می طلبد، چرا پیوسته باید بکشد و کشته شود. چرا از حلاج و عین القضاة همدانی تا پروانه و داریوش فروهر و زهرا کاظمی و احمد باطنی همین طور ما دچار دایره تکرار مکرر اتیم، چرا قتل هر غیر مسلمانی از صدر اسلام تا قتل هزاران انسان بی گناه در یازدهم سپتامبر، و قتل ملیونها غیر مسلمان بدست مسلمانان در طول تاریخ و تا امروز در تمامی کره ی زمین حتا برای لیبرال ترین مسلمانان هم حتا در حد چندشی هم که شده عکس العمل ایجاد نمی کند، چرا در ایران از تمامی کسانی که دستی به قلم دارند از شریعتی و سروش گرفته تا حتا شایگان و ملی مذهبی و ملی و چپی و راستی با استدلال این همه جنایات مسلمانان و اسلام را نه تنها نقد و بررسی و محکوم نمی کنند بلکه آنرا تایید هم می کنند و آنرا با آب و تاب به عنوان ارزش به خورد مردم می دهند. چرا ملیونها انسان ارمنی که بدست مسلمانان در حکومت عثمانی با کارد و قمه و سلاح های سرد و گرم دیگر کشته شدند و امروز بیشتر از هفتاد سال از آن می گذرد تا به امروز کشورهای اسلامی و حتا غیر اسلامی و از سر ترس جرات محکوم کردن آنرا ندارد، حتی غربی ها هم تازه به این فکر افتاده اند!! چرا از کشتار یهودیان و زرتشتیان و مسیحیان و بهاییان در ایران کسی آشفته نمی شود!! چرا هر

قتلی و هر قتل عامی در هر گوشه از جهان که بدست غیر مسلمانان انجام شده باشد با سیل محکومیت حتا از طرف مسلمانان همراه است، در صورتیکه آنچه بدست آنها که مسلمانند، و با بسم الله الرحمن الرحيم نامه می نویسند و سخن می گویند و عقد ازدواج می کنند، هر قتلی و هر قتل عامی بدون محکومیت باقی می ماند!!؟! من بارها این پرسش را از خود کرده ام و بسیار خوشبختم که فهرست وار بنیان ها و بنیاد های این همه قتل و کشتار را برایتان بنویسم تا بدانید بی خود نیست که اگر برای مادر بزرگ و پدر بزرگتان و دایی و عمه و خاله تان و حتا پدر و مادر تان خبر بیاورید که سر چهار راه یک جوان غیر مسلمان بدست مسلمانی با ذکر بسم الله الرحمن الرحيم سربریده شده اصلا در عمق وجودش احساس نگرانی و تشویش و غم و اندوه نمی کند و شوکه هم نمی شود!!! حالا این یکنفر را ده و صد و هزار و ملیون هم بکنید هیچ تغییری در صورت او و آنها حاصل نمی شود. اگر می شد اسلام موفق نمی شد هزار و چهار صد و بیست و پنج سال بدون وقفه آدم بکشد، ترور کند، و آزادی کش باشد و... در این بیست و هفت سال خمینی و خامنه ای و رفسنجانی و شورای نگهبان و اصلاحطلب و اصولگرا با جنگ و کشتار و تجاوز به زن و مرد و پیر و جوان این مرز و بوم بر قدرتی شیطانی تکیه نمی زدند...

این جانب با چندین بار خواندن قرآن با شگفتی به عمق فاجعه، و ژرفنای این خشونت و ریشه های آن پی برده ام که در زیر می آورم. توجه من به شمار فعل «قتل» (بکش) می باشد که به انواع گوناگون در سوره های مختلف قرآن صرف و نحو شده است. این شمارش حتماً بیشتر از این هست ولی قطعاً کمتر از این نیست. در سوره البقره ۳۱ بار؛ در سوره آل عمران ۲۲ بار؛ در سوره النساء ۲۳ بار؛ در سوره المائده ۱۳ بار؛ در سوره النعام ۴ بار؛ در سوره الاعراف ۳ بار؛ در سوره التوبه ۱۳ بار؛ در سوره یوسف ۲ بار؛ در سوره الاسراء ۵ بار؛ در سوره الکهف ۲ بار؛ در سوره طه ۱ بار؛ در سوره الحج ۲ بار؛ در سوره الفرقان ۱ بار؛ در سوره الشعراء ۱ بار؛ در سوره القصص ۷ بار؛ در سوره العنکبوت ۱ بار؛ در سوره الاحزاب ۵ بار؛ در سوره غافر ۲ بار؛ در سوره محمد ۲ بار؛ در سوره الفتح ۲ بار؛ در سوره الحجرات ۲ بار؛ در سوره الذاریات ۱ بار؛ در سوره الحديد ۲ بار؛ در سوره الحشر ۳ بار؛ سوره الممتحنه ۳ بار؛ در سوره الصف ۱ بار؛ در سوره المنافقون ۱ بار؛ در سوره المزمّل ۱ بار؛ در سوره المجر ۲ بار؛ در سوره عبس ۱ بار؛ در سوره التکویر ۱ بار و در سوره البروج ۱ بار. در مجموع و حد اقل ۱۶۶ بار در قرآن فعل «قتل» (قتل) با خشونت تمام و با حکم الهی صرف شده است، اسلام حیات خود را طبق آیات و روایات در قتل دیگر اندیشان و غیر مسلمانان می داند...

تعداد دفعاتی که در قرآن از کلمه «الموت» (مرگ) استفاده شده و در سرتا سر آن مرگ را برای مومنین فضیلت دانسته نیز بیشتر از ۱۳۳ بار است. و این در حالی است که برای فریب مردم و نگهداری آنان در ضلالت و خشونت و قتل و آدمکشی روحانیون اسلام را مکتبی انسان ساز و حیات بخش می خوانند. حال با این داده ها اگر باز هم می خواهید در انتخابات شرکت کنید و به اسلام رای دهید بفرمایید!! آقایان مسلمانان به این نوشته پاسخ دهید، و به خانمهای تحت امرتان اجازه دهید آنها هم پاسخ دهند. در آینده به شمار روایات و احکام و وجوب قتل در اسلام خواهم پرداخت.

معصومه اعظمی (دختر یک روحانی) از تهران